



به شاگردان

مربی و معلم است که با شناسائی استعدادهای دانش آموزان و تحریک انگیزه‌های درونی، موتور وجود او را روشن ساخته او را بحرکت درآورد .

پس همه ابتکارها تنها درشناخت ذخائر وجودی انسان و بحرکت درآوردن موتور وجودی انسان‌ها است . خیلی‌ها بجای برقرار ساختن ارتباط خوب و شناسائی استعدادهای شاگردان تلاش می‌کنند با تهدید و زور فکر و مغز شاگرد را با داده‌های ذهنی انباشته سازند . بطورقطع اینگونه معلمان واقعیت‌های وجودی انسان را نشناخته‌اند .

بطور قطع عده‌ای از پدران و مربیان و معلمان با ایمان و اعتقاد راسخ به خلیفه بودن انسان میکوشند با ایجاد و برقراری ارتباط نیکو زمینه رشد و پرورش همه جانبه استعدادهای او را فراهم بیاورند .

یکی از شیوه‌هایی که شاگرد را بساخته‌شدن وامیدارد سپردن مسئولیت باوست دراین مقاله به نتایج سودمند این شیوه اشاره خواهیم کرد .
۱- معلمان باید توجه داشته باشند که دانش- آموزان اساساً " درحال شدن هستند برخلاف



عده‌ای میگویند این محیط است که شاگرد را میسازد . در برابر این نظریه گروهی معتقدند که دانش آموز از نظر نیرو و استعداد بسیار غنی است ذخائر روانی و فکری شاگرد همانند اقیانوسی بیکران گسترده و وسیع است و این نقش اصیل

مسئولیت است چه او در پرتو ان احساس امنیت خاطر و اعتماد بنفس خواهد کرد .

۲- با مطالعه و دقت در رفتار دانش آموزان این واقعیت بخوبی آشکار میگردد که بسیاری از شاگردان در پرتو کمبودها رفتارهای خلاف دست می زنند بعنوان مثال کودکی که در محیط خانه مورد تاءبید پدر و مادر قرار ندارد و در مدرسه هم معلمان و مربیان او را پذیرا نمیگردند بناچار بخلافکاری دست میزنند اما همین دانش

بزرگ سال که از این مرحله گذشته شکل وفرم پیدا کرده است کودک قبل از وصول بمرحله بزرگسالی دائما دچار شک و تردید است نمیداند فردا چکاره خواهد شد آینده اش بچه شکل وفرم در خواهد آمد بدیهی است لازمه این شک و تردید تزلزل و ابهام است لذا درتوصیف ویژگیهای جوانان یکی از مسائلی که مطرح میشود اینست



آموز وقتی باو مسئولیت داده میشود درپرتو همین مسئولیت بخشی از کمبودش برطرف شده میکوشد از خلافکاری خویشتن را برکنار دارد . تجربه ثابت کرده بسیاری از شاگردان مدرسه آنهایی که جزء کودکان دشوار و یا شاگردان تنبیل بوده اند بمحض اینکه سرپرست کلاسی شده اند رفتار و کردارشان عوض شده دیگر رفتارهای خلاف دست نزده اند و درمواردی هم درقسمت آموزشی نیز به تلاش و کوشش پرداخته تا

که جوان احتیاج به تقویت وتحسین دیگران دارد چه در پرتو این تقویت ها جان گرفته از ابهام وشک برکنار خواهد شد یکی از شیوه های تقویت جوانان دادن مسئولیت بانان است آنچه که روح جوان را بخلاقیت و ابتکار و ادار میسازد اصل مسئولیت است خواه این مسئولیت مراقبت شاگردان و سرپرستی باشد و یا اداره نمازخانه یا کتابخانه و یا سرپرستی بوفه وغیر آن باشد آنچه که برای شاگرد مفید وارزنده است اصل

حدودی ضعف خود را جبران کرده‌اند یکی از مسئولین تربیتی در پرونده‌های تربیتی چنین می‌نویسد: او یکی از افراد خانواده‌ای است که اعضای یازده نفر هستند در مدرسه دائما "خلاف میکرد برنامه‌های مدرسه و مقررات آنرا ریشخند مینمود همه از او ناراحت بودند ولی وقتی با او مسئولیت داده شد رفتارش را تغییر داده دیگر بخلاقکاری دست نمی‌زد. معلوم شد که او با توجه به مشکلات خانوادگی و عدم تأیید و تقویت، عشق و علاقه‌ای بساخته شدن نداشت اما وقتی احساس کرد که مدرسه و مسئولانش او را تأیید مینمایند ب فکر خوب شدن افتاده خویشتن را اصلاح نمود. بنابراین مسئولیت دادن بشاگردان تا حدودی کمبود آنان را برطرف کرده همه رفتارهایی که ناشی از کمبودها بوده خود بخود برطرف خواهد شد.

۳- فردی که با او مسئولیت داده میشود در حقیقت با این عمل با او شخصیت داده شده است بدیهی است زیر بنای بسیاری از مفاسد اخلاقی و خلاقاریها همه معلول بی شخصیتی است. پیامبر بزرگوار در باره شخصیت کودکان میفرماید: اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم بکودکان خود شخصیت داده رفتار نیکو و آداب انسان را بآنان بیاموزید بدیهی است که تربیت آنان را در پرتو شخصیت قراردادهاست.

یعنی اگر بکودکی شخصیت ندهیم نمی‌توانیم در او دگرگونی اخلاقی بوجود آوریم.

بدیهی است با سپردن مسئولیت با افراد راه خوب شدن را بروی آنان باز کرده‌ایم. نباید فراموش کنیم که شخصیت دادن با افراد که از ناحیه مسئولیت دادن فراهم می‌آید چه ابتکارات و خلاقیت‌هایی در جوامع بشری بوجود آورده است هنرهای زیبا و معماریهای شگرف و فتوحات

درخشان و کشف تازه‌ها و حتی مسافرت بکره ماه همه و همه در پرتو شخصیتی بوده‌است که از قبول و پذیرش مسئولیت بوجود آمده بوده است وقتی فردی مسئولیتی را می‌پذیرد همه نیروهای خداداد خود را بسیج میکند بدیهی است وقتی همه نیروها بسیج شوند هر کار غیر ممکنی ممکن خواهد شد.

۴- معلمان نباید فراموش کنند همه ابتکارات در انحصار درس خواندن و نمره بیست گرفتن نیست بنابراین نباید همه شاگردان را فقط بدرس خواندن و نمره بیست گرفتن تشویق کنند در میان شاگردان ضعیف و ناتوان چه بسیار افرادی هستند که روحیه مدیریت در آنان از دیگران بیشتر وجود دارد معلمان و مربیان خوب می‌توانند با شناخت این نوع استعدادها اینگونه افراد را با دادن مسئولیت پرورش داده راه مدیریت‌های بزرگ را برویشان بکشایند. در نتیجه همان دانش آموزانی که دیروز مسئول و سرپرست کلاس و یا بوفه بودند امروز مدیرانی کارآمد و پرتوان و قدرتمند برتق و فتق امور خواهند پرداخت بنابراین اگر شاگردی درسخوان از آب در نیامد نباید او را نفی مطلق کرد چه ممکن است خدا در جوهره او قدرت مدیریت قراردادهاست. پس با سپردن مسئولیت اینگونه افراد را از سقوط نجات داده نیروهای خداداد آنان را پرورش داده‌ایم.

در خاتمه باید متذکر شویم که یکی از روشهای تربیتی کودکان چه در محیط خانه و یا مدرسه دادن مسئولیت بآنان است چه آنان در پرتو مسئولیت احساس شخصیت و غرور کرده بساختن خود خواهند پرداخت. پس مردها را با دادن مسئولیت می‌توان زنده کرد.



از مهمترین حالات عاطفی که دارای نقش فوق-العاده ای در رشد شخصیت و وجودش ضروری حیات و دوام و بقای کودکان است مسئله اعتماد بنفس میباشد. روانشناسان و علمای اخلاق آن را اساس تاءمین سعادت و آسایش و آرامش انسانها ذکر کرده اند و مربیان بزرگ و بالاتر از همه آنها انبیای الهی در طریق تاءمین و تداوم آن راههایی را ارائه داده و انسانها را به تعقیب آن توصیه فرموده اند.

چه بسیارند عواملی که توجه به آنها مایه رشد و شکوفائی انسان، پیشرفت‌ها و حرکتها در زندگی است. و نیز چه بسیارند کارهای شایسته و در خور اهمیتی که در سایه آن پدید می‌آیند. از نظر روانشناسان تربیت، عدم اعتماد بنفس مانع رشد و شکوفائی و عدم امکان رشد و ارتقاء است.

غرض از اعتماد بنفس

غرض ما از اعتماد بنفس وجود قدرتی و انتکائی مستقل در نفس است که در سایه آن آدمی بدون چشمداشت از کمک و مدد دیگران کاری را آغاز کرده و میکوشد آن را به فرجام برساند.

ذکر این نکته ضروری است که داشتن اعتماد بنفس با دم از استقلال زدن و بر بدن از انتکای بخدای بزرگ فرق دارد. غرض این نیست که آدمی از خدا ببرد و یا در مقابل او دکان باز کند، بلکه مقصد این است که انسان در رابطه

اعتماد به نفس در کودکان

با وظیفه ای که خدا برایش معین کرده است با قوت قلب و با بهره گیری از لیاقت و مهارت و استعدادش به پیش رود و به گدائی و دربوزگی دیگران نرود و از آنها نخواهد که کار او را انجام دهند و یا در رابطه با مشکل راه عجز و لایه در پیش بگیرد و به این و آن متوسل شود تنها روی قدرت و عملکرد خود آنهم تحت ضوابط و فرامین الهی حساب باز کند.

از نظر مذهب ما بخدا اعتماد و اتکاء داریم، میدانیم در گرفتاریها و مشکلات زیر بازوی ما را میگیرد و در انجام وظیفه او کمک کار ماست. ولی انتظار نداریم که خداوند بجای ما آشپزی و معماری کند، خداوند برای ما کارخانه و کشاورزی راه بیندازد، در انجام دادن این وظایف باید قائم به نفس بود، و به توان و اراده خود کار کرد و به پیش رفت.